



نقش فکری سید جمال الدین اسدآبادی بعنوان طلایه دار بیداری اسلامی در نهضت مشروطه

روح الله طاهرنیا^۱

۳۳

چکیده

نخستین کسی که منادی بیداری اسلامی بود و بذره‌های تغییر و دگرگونی را در اواخر دوره قاجار در جامعه ایران پاشید، سید جمال الدین اسدآبادی بود. دعوت و نهضت او برخلاف بسیاری از دعوت‌ها و نهضت‌ها هم جنبه فکری - فرهنگی داشت و هم جنبه سیاسی - اجتماعی و این دو جنبه نیز در یک پیوند منطقی با یکدیگر قرار داشتند. آغاز مبارزه او با استبداد داخلی و استعمار خارجی دوره قاجار در قضیه جنبش تنباکو بود، برخی معتقدند که نامه سید جمال در صدور فتوای مشهور تحریم تنباکو از جانب آیت الله میرزای شیرازی و جنبش تنباکو، تأثیر بسزایی داشته است. بعد از جنبش تنباکو او در صدد اصلاحات در حکومت قاجار و شخص ناصرالدین شاه برآمد که اصلاحات او با مخالفت ناصرالدین شاه مواجه شد و در نهایت پادشاه قاجار دستور به تبعید او را از کشور داد. سید جمال راه علاج فساد حکومت قاجار و تمام سلسله‌های شاهی در ایران را تاسیس قانون و تبدیل حکومت استبداد به حکومت مشروطه و برقراری قانون به جای رسوم و اوامر معرفی می‌کند. اهمیت، تأثیر و موج به وجود آمده حاصل از مجموع فعالیت‌های وی به گونه‌ای است که برخی او را سلسله‌جنبان نهضت‌های اصلاح طلبی در صد ساله اخیر می‌دانند. درباره پیدایش روح عصیانگری و بیداری علیه استعمار، نقش سید جمال در جنبش‌های معاصر مصر به عنوان سر سلسله سایر جنبش‌های آزادی‌خواهی مسلمانان، بی‌منازعه بوده است. روش تحقیق در این پژوهش، از نوع تاریخی و توصیفی - تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات نیز کتابخانه‌ای و بررسی اسناد است و در بررسی کتابخانه‌ای منابع دست‌اولی که راجع به نقش فکری سید جمال الدین اسدآبادی نوشته شده در اولویت هستند. یافته‌ها حکایت از نقش فکری سید جمال الدین اسدآبادی در بیداری مردم در نهضت مشروطه و بخصوص نقش او در محدود نمودن قدرت پادشاه قاجار دارد.

کلیدواژه‌ها: جنبش تنباکو، نهضت مشروطیت، بیداری اسلامی، سید جمال الدین اسدآبادی، ناصرالدین شاه.

دوره ۹، شماره ۲، پیاپی ۳۳

تابستان ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۰۴/۱۰

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۶/۲۷

صص: ۸۷-۱۰۸

شابا چاپی: ۲۵۸۸-۴۵۶۵

الکترونیکی: ۲۷۱۷-۰۳۸۱



مقدمه

در دوره قاجار و پیش از نهضت مشروطه عواملی چند باعث بیداری تدریجی ایرانیان شد که این عوامل عبارتند از: ۱- جنگ های اول و دوم ایران و روس و متعاقب آن انعقاد دو معاهده گلستان و ترکمانچای و تحمیل حق قضاوت کز سولی کاپیتولا سیون از سوی روسها در زمان فتحعلی شاه قاجار باعث جریحه دار شدن احساسات ملی ایرانیان شد و در نهایت با واکنش مردم و علما مواجه و در قضیه قتل گریبایدوف خود را نشان داد، که در این دوره یعنی دوره فتحعلی شاه قاجار، ولیعهد او عباس میرزا نخستین تلاشهای خود را برای بیداری ایرانیان آغاز نمود. ۲- بحث دیگری که باعث جریحه دار شدن احساسات ملی ایرانیان گردید، بحث امتیازات بود که از دوره فتحعلی شاه قاجار دادن این امتیازات به بیگانگان شروع شده بود و در زمان ناصرالدین شاه با دادن امتیاز تنباکو به بیگانگان به اوج خود رسید که در این زمان یعنی اعطای امتیاز تنباکو به بیگانگان، مردم و علما با تحریم نمودن تنباکو هم دیو استبداد یعنی حکومت قاجار و هم دیو استعمار یعنی انگلستان را وادار به عقب نشینی نمودند که در این دوره یعنی دوره ناصرالدین شاه قاجار افراد منورالفکری چون سید جمال الدین اسدآبادی و غیره به نحوی از انحا تلاش هایی را برای بیداری ایرانیان انجام دادند. سید جمال الدین اسدآبادی از طلایه داران بیداری اسلامی و فریادگر احیای عظمت اسلام ناب محمدی (ص) بود که سرسلسله جریان فکری استبداد داخلی و استعمار خارجی را در دوره قاجار تشخیص داد و با این دو جریان به شدت مبارزه نمود. این مصلح بزرگ که هدف اصلیش وحدت و اتحاد مسلمین و استعمار ستیزی بود، پس از سال ها فعالیت با طرح مبارزه با استعمار و استبداد و تلاش در احیای اسلام و عزت مسلمین تحول و انقلابی عظیم را خلق نمود (رستمی نجف آبادی، ۱۳۹۲: ص ۲۱۷) تا جایی که می توان گفت که نقش سید جمال الدین اسدآبادی در جنبش های معاصر و بویژه نهضت مشروطه به عنوان سر سلسله سایر جنبش های آزادی خواهی مسلمانان، بی منازعه بوده است. حال با این مقدمه به بررسی زندگی سید جمال الدین اسدآبادی و وضعیت ایران دوره قاجار و قبل از نهضت مشروطه پرداخته می شود. سید جمال الدین اسدآبادی فرزند سید صفدر در سال ۱۲۵۴ ه.ق، در اسدآباد همدان در خانواده ای روحانی متولد شد و پس از مدتی بنا به دستور و توصیه حاج شیخ مرتضی انصاری عازم هندوستان شد. بعد از آن با هدف بیداری مردم و اتحاد جهان اسلام علیه استعمار

انگلستان (اسدآبادی، ۱۳۴۹: ص ۴۳) به کشورهای چوین هندوستان، مصر، فرانسه (محیط طباطبایی، ۱۳۵۰: ص ۲۲)، انگلیس و عثمانی مسافرت نمود (جمالی، ۱۳۴۹: صص ۳۸-۳۷) و در نهایت در سال ۱۳۱۴ ه. ق در اسلامبول مسموم و در همان شهر به خاک سپرده شد. (شمیم، ۱۳۷۹: صص ۱۷۸-۱۸۸) و وضعیت ایران در دوره قاجار و قبل از نهضت مشروطه به این شکل بود که «نه سپاه را نظامی و نه رعیت را انتظامی و نه کار را قوامی و نه ملتزمان رکاب را قوامی و نه قلعه و نه صاری که در هجوم نابکاری به کارآید و نه از پیاده و سوار نامداری و کارگذاری که در میدان پیکار و هنگام کارزار در شمارآید...» (مفتون دنبلی، ۱۳۵۱: ص ۱۲۸) خصوصیت اقتصاد کشاورزی و وضعیت حاکم بر آن، نفوذ و حاکمیت عده معدودی ارباب (حاکم) بر عده فراوانی از کشاورزان بی زمینی که به دلیل عدم احساس نیاز یا مشغله های خاص زندگی کشاورزی، سواد هم نداشتند، (فلور، ۱۳۶۵: ص ۱۹: ۲) (فرهمندزاده، بی تا، ۸۱) تقابل روزافزون منافع دو گروه حاکم و محکوم و وخیم تر شدن زندگی کشاورزی، با توجه به جنگ های تحلیل برنده ای را به دنبال داشت (عیسوی، ۱۳۶۹: ص ۲۴) بنابراین وضعیت ایران دوره قاجار در سده ی نوزدهم و مقارن زمان مشروطه، به این گونه بود که پادشاهان قاجار حاکم و زمامدار مطلق بودند. حکم این پادشاهان همچون قانون، کلام شان حق، اراده شان مطلق، عقل شان بالاتر از همگان، منویات شان لازم الاطاعه، رای شان ناقب و وجود مبارک شان نیز در حقیقت ظل الله یا سایه ی خدا بر روی زمین بود که هر جنبه ای به زیر آن پناه می برد. (زیبا کلام، ۱۳۷۷: ص ۱۰۸) به تعبیری دیگر توده ی مردم رعیت به شمار می آمدند و تنها انتظاری که از آنان می رفت آن بود که همچون گله ی گوسفند از شبان خود، یعنی قبله ی عالم، تبعیت کنند. (زیبا کلام، ۱۳۸۵: ص ۱۰۸) در بیشتر اوقات پادشاهان قاجاری نه تنها شبانی نمی کردند بلکه خود گرگ گله به شمار می آمدند. (گیلانی، بی تا، ۸). با این توضیح و با نگاهی به متون تاریخی و سیاسی مشخص می شود که ساختار اجتماعی در ایران دوره قاجار تفاوت عمده ای با حکومت های قبل از آن نداشت. در راس هرم قدرت شاه قرار داشت که بالاترین مقام قدرت در کشور به او اختصاص داشت و صاحب جان و مال همه بود و جان و مال هر که را اراده می نمود، می گرفت. (کرزن، ۱۳۴۷: صص ۹۳-۹۲) در چنین وضعیتی در همه امور رأی نهایی خواست پادشاه بود و در واقع او سرنوشت کشور و مردم را در دست داشت. پادشاه برای اداره امور کشور گروهی از افراد را به خدمت می گرفت و در راس این افراد صدر اعظم یا

اعتمادالدوله بود. صدر اعظم نظارت بر اداره کشور را به عهده داشت و در واقع نماینده پادشاه در این مورد بود. در مقایسه با امروز صدراعظم خود عهده دار وظایف همه وزیران بود و به کمک شبکه ای از کارمندان در پایتخت و ایالات به امور رسیدگی می نمود. این نوع ساختار، مستلزم این بود که هر نوع تغییر و تحولی لزوماً باید از بالای هرم اجتماعی صورت پذیرد و راهکارهای آن از همین طریق تجویز و اجرا گردد. (فرهمندزاده، بی تا، ۸۱) با این حال مشخص می شود که حکومت قاجار و پادشاهان آن در جایگاه حاکم و بقیه در حکم محکوم بودند و از هرگونه حقوقی محروم و محکوم به این بودند که فاقد هر گونه حقوقی باشند و سیدجمال الدین اسدآبادی با توجه به این احوال بود که در پی محدود نمودن قدرت پادشاه قاجار برآمد.

بیان مساله

مساله اساسی در این تحقیق نقش فکری سید جمال الدین اسدآبادی در بیداری مردم در نهضت مشروطه است که با این نقش خود به دنبال محدود نمودن قدرت استبدادی پادشاه قاجار از طریق نهضت مشروطه بود. اگرچه بررسی نقش فکری سید جمال الدین اسدآبادی در نهضت مشروطه که بدون هیچ نفع شخصی وارد نهضت مشروطه شد موضوعی قابل بحث بوده ولی تاکنون در مورد این پژوهش تحقیقی جامع و مفصل انجام نشده و بیشتر مورخان و محققان به بررسی زندگینامه سید جمال الدین اسدآبادی پرداخته اند و اگر به بحث در مورد نقش فکری سید جمال الدین اسدآبادی در نهضت مشروطه پرداخته اند، بحث آنها ناقص و ناتمام است. بنابراین نگارنده با توجه به خلاهایی که در این مورد وجود دارد حتی المقدور سعی دارد به تکمیل امور ناقص و ناتمام گذشته در مورد این تحقیق بپردازد. نگارنده در این پژوهش سعی دارد تا حتی الامکان به این پرسش پاسخ دهد که نقش فکری سید جمال الدین اسدآبادی در بیداری مردم در نهضت مشروطه چه بود؟

پیشینه تجربی تحقیق

مختاری (۱۳۹۴) معتقد است که سیدجمال الدین اسدآبادی از دانشمندان قرن نوزدهم است که تأثیر شگرفی بر جامعه آن روز گذاشت و مردم خفته و تحت سلطه قرن نوزدهم را بیدار نمود. سید جمال الدین اسدآبادی آغازگر نهضت‌های سیاسی جهان بود. حس آزادی اندیشی را در تفکر بسیاری از دانشمندان نهادینه نمود تا جایی که می توان وی را آغازگر حرکت اصلاح

اجتماعی و فرهنگی در ادبیات معاصر دانست. سید جمال الدین اسدآبادی بیشتر عمرش را صرف فعالیت های سیاسی، اجتماعی و دیپلماتیک نمود. وی به این حقیقت پی برد که وجود حکومت های خودکامه و مستبد در جوامع اسلامی یکی دیگر از عوامل مهم انحطاط مسلمانان است؛ چرا که این قبیل حکومت ها تنها به خوش گذرانی، بر آورده شدن خواست های نفسانی خود اهمیت می دهند، سید جمال الدین اسد آبادی در اندیشه سیاسی اساساً بر این باور بود که باید به مسلمانان بلاد آگاهی سیاسی مبتنی بر شعور دینی داد و آنها را به مبارزه با ظلم و استبداد و دخالت و مشارکت در امور سیاسی و سرنوشتشان، به عنوان یک وظیفه شرعی و در جهت برقراری نظامی عادلانه و حکومتی اسلامی در راستای امامت برانگیخت. ضعف و سستی حکام مستبد که از اصول محکم و از اصول ثابت و روش نیاکان پاک نهاد منحرف شده اند به قدرت و بزرگواری جامعه لطمه وارد آورده و زیان می رساند. هر گاه همه از قواعد اسلام پیروی نمایند و خود را موظف به رعایت آن دانند و روش اولیه صدر اسلام را پیروی کنند، طولی نخواهد کشید و زمانی نخواهد گذشت که خداوند نیروی مقتدر در کشور به آنان می بخشد و آنها را به پیشوایان دینی پیوند می سازد و سعادت دو جهان نصیبشان خواهد (مختاری، ۱۳۹۴).

تحقیقات مختلفی در زمینه نقش و اثرات سید جمال الدین اسدآبادی بر نهضت مشروطه و بیداری اسلامی به شکل مقاله، پایان نامه و کتاب انجام شده است. به عنوان مثال میناپور (۱۳۹۲)، ستوده (۱۳۹۷)، امیرفخریان (۱۳۹۶)، صادقی مهر (۱۳۹۵)، ایوبی (۱۳۹۷)، اسماعیل نیا (۱۳۶۹)، قاهری (۱۳۹۳)، طالبش بیان جلودار (۱۳۹۵)، مقدم نیا (۱۳۹۳)، مختاری (۱۳۹۴)، رحمانیان کوشکی (۱۳۸۰)، کریمی (۱۳۸۵)، توانا (۱۳۸۳)، سعیدی گراغانی (۱۳۹۴) به بررسی نظرات سیاسی و اجتماعی سید جمال الدین اسدآبادی پرداخته اند. یافته های پژوهش قاهری (۱۳۹۳) مشخص می کند در آستانه مشروطه گفتمان های متفاوت و گاه متضادی همچون گفتمان های دینی، که خود به دو دسته ی مشروطه خواه و مشروعه خواه تقسیم می شود و گفتمان غربگرا رایج بوده است؛ که به دلیل عدم انطباق و سازگاری با شرایط موجود و ناتوانی در انعکاس شرایط واقعی جامعه، نتوانسته عاملی مهم و اساسی در ایجاد نهضت مشروطه باشد؛ این در حالی است که افکار و اندیشه های سید جمال الدین اسد آبادی، که در قالب نامه، مقاله و سخنرانی منتشر می شده است؛ از یک سو نوعی گفتمان خاص را بوجود آورده (گفتمان اصلاحی سید جمال)؛ و از دیگر

سو گفتمان مذکور بیشترین تأثیر بر روند شکل‌گیری نهضت مشروطه داشته است. در گفتمان اصلاحی سید جمال به دلیل شناخت همه جانبه‌ی او از دنیای متمدن (غرب) و تحولات ناشی از مدرنیته و همچنین درک شرایط متفاوت حاکم بر جامعه‌ی ایران، نقایص موجود در گفتمان‌های دیگر به چشم نمی‌خورد و به خوبی توانایی انعکاس شرایط و مشکلات جامعه ایران را دارا بود؛ به همین دلیل این گفتمان توانست بیشترین تأثیر را در جهت‌دهی فکری گروه‌ها و اقشار مختلفی همچون علما، سیاسیون و توده‌ی مردم داشته باشد و در نهایت به مثابه دستاویزی در بحران‌های سیاسی و فکری آستانه مشروطه خود نمایی کرد که نتیجه تمسک به آن پیروزی نهضت مشروطه بود. نتایج پژوهش میناپور (۱۳۹۲) نشان داد که از دیدگاه سید جمال‌الدین اسدآبادی، اولاً استعمار غربی به دنبال تسلط بر مسلمانان در تمام جنبه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. ثانیاً تحول اجتماعی و سیاسی در ساختار قدرت و دولت استبدادی باید متکی به خود مردم و از درون خود توده باشد و ثالثاً اسلام، مذهبی موثر در بسیج کردن مردم بر ضد استبداد داخلی و استعمار خارجی است. در پایان مبحث پیشینه تجربی تحقیق یادآوری می‌شود که نگارنده به موضوعی پرداخته که تا کنون در این زمینه به وسیله نویسندگان و محققان کتاب یا مقاله‌ای چه در زبان فارسی چه در زبان‌های بیگانه نوشته نشده است.

فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی سید جمال‌الدین اسدآبادی

هنر سید جمال‌الدین اسدآبادی در به راه اندازی موج‌های سیاسی - اجتماعی است که عصر خود را تحت الشعاع خود قرار می‌داد. ایشان با راه اندازی روزنامه‌های گوناگون در کشورهای اسلامی (ذاکر حسین، ۱۳۶۸:ص ۴۱) و ایراد سخنرانی‌های روشنگرانه گسترده در کشورهای اسلامی، اقداماتی ابتکاری و نو در منطقه نظیر تأسیس انجمن اتحاد اسلامی در ترکیه که نخستین کوشش سازمان یافته در آن منطقه بود. (زرگری نژاد و رئیس طوسی، ۱۳۷۶:ص ۲۴) استفاده از ابزارهای موجود به گونه‌ای در راهکارهای اصلاحی سید جمال‌الدین اسدآبادی به کار می‌رفت که از آنان و علم روز نه تنها به عنوان تهدید یاد نمی‌کرد بلکه به عنوان فرصتی برای رساندن صدای اسلام به گوش جهانیان استفاده می‌نمود. به عنوان نمونه بهره برداری ایشان از روزنامه باعث روشنگری در جهان اسلام شد و موجب گردید تا ایشان را برخی بنیانگذار روزنامه نگاری

سیاسی در جهان اسلام بنامند. وی با افکار خود بر جنبش عظیم مشروطیت در ایران تاثیر فراوان گذاشت. (محیط طباطبایی، ۱۳۷۰: صص ۷۷-۲۲) سید جمال الدین اسدآبادی از طریق ارشاد، انتشار روزنامه و نوشتن نامه در پی اصلاح و محدود نمودن اختیارات و قدرت شاه بود که وقتی مشاهده نمود که روحیه شاه با اصلاح سازگار نیست در پی برکناری و حذف شاه برآمد. در مجموع اهمیت، تاثیر و موج به وجود آمده حاصل از مجموع فعالیت وی به گونه ای است که برخی او را سلسله جنبان نهضت های اصلاح طلبی در صد ساله اخیر می دانند. (مطهری، ۱۳۵۷: ص ۲۱) درباره پیدایش روح عصیانگری و بیداری علیه استعمار، نقش سید جمال الدین اسدآبادی در جنبش های معاصر مصر به عنوان سر سلسله سایر جنبش های آزادی خواهی مسلمانان، بی منازعه بوده است. (شرابی، ۱۳۶۹: ص ۴۶)

الف: نظر سید جمال الدین اسدآبادی درباره دردهای جوامع اسلامی و راه علاج آنها
سید جمال الدین اسدآبادی در حدود دو قرن پیش وقتی دردهای جوامع اسلامی را برمی شمرد، کفه سنگین ترازوی مشکلات و دردها را متوجه خود جوامع اسلامی می داند و بر این باور است که جوامع اسلامی باید این مشکلات را رفع نمایند و به نظر می رسد سید جمال الدین اسدآبادی می خواهد تأکید کند که در صورت رفع موانع و دردهای داخلی، خود به خود درد خارجی، ظهور و بروز، نخواهد داشت. از نظر سید جمال الدین اسدآبادی درمان دردهای های جوامع اسلامی عبارتند از: الف- مبارزه با خودکامگی مستبدان (اسدآبادی، ۱۳۶۰: ص ۱۳۸) (مطهری، ۱۳۷۲: ص ۲۱) ب- مجهز شدن به علوم و فنون (اسدآبادی، ۱۳۵۸: صص ۹۶ - ۹۳) (صاحبی، ۱۳۶۶: ص ۹۴) ج- بازگشت به اسلام نخستین - اتحاد اسلام. سید جمال الدین اسدآبادی در مقام اثبات بر این باور است که «اتحاد کلمه» کلید تمام پیروزیهاست و اگر اتحاد در ملتی پدیدار شود، فتح و نصرت با آنان خواهد بود. سید جمال الدین اسدآبادی در این باره بر این ناموس خدای اشاره دارد و می نویسد: «این ناموس خداوندی را در جمعیت های بشری ملاحظه می نمایم که نصیب هر یکی از هستی، تنها به مقدار بهره ای است که از اتحاد برده و پیمانۀ عظمت آن به حساب کارایی آن در پیروزی است.» (اسدآبادی، ۱۳۶۰: صص ۹۴-۹۸) سید جمال

الدین اسدآبادی درمان دردهای ممالک و ملل اسلامی را در سه اصل اساسی خلاصه می‌کند که این سه اصل در پیوند تنگاتنگ با هم قابل درک هستند: ۱- تبدیل شیوه حکومت از استبدادی به مشروطه و برقراری قانون به جای رسوم و اوامر ۲- از میان بردن آثار و تفرقه مذهبی و احیای روح وحدت اسلامی ۳- مبارزه علمی و بی رحمانه با نفوذ استعمار. (محبیط طباطبایی، ۱۳۵۰:ص ۱۶۲) او همچنین مبارزه با خودکامگی مستبدان، مجهز شدن به علوم و فنون جدید، بازگشت به اسلام نخستین و دور ریختن خرافه‌ها و پیرایه‌هایی که به اسلام بسته شده، ایمان و اعتماد به مکتب، مبارزه با استعمار خارجی، اتحاد اسلام، مبارزه با خود باختگی در برابر غرب را درمان دردهای ممالک و ملل اسلامی می‌داند. (مدرسی چهار دهی، ۱۳۵۲:ص ۱۳۷)

استاد شهید مطهری درباره دردهای موجود در جامعه و درمان‌های پیشنهادی سید جمال الدین اسدآبادی، معتقد است: سید جمال الدین هر کار ممکن را برای درمان دردها، انجام داد. سید جمال الدین اسدآبادی برای چاره این دردها و بدبختی‌ها از همه مسایل ممکن مانند مسافرت‌ها، تماس‌ها، سخنرانی‌ها، نشر کتاب، مجله، تشکیل حزب و جمعیت، حتی ورود و خدمت در ارتش بهره جست. در عمر شصت ساله خود (۱۳۱۴ - ۱۲۵۴ ه. ق) ازدواج نکرده و تشکیل عائله نداد زیرا با وضع غیرثابتی که داشت و هر زمانی، در کشوری به سر می‌برد و گاهی در تحصن یا تبعید یا تحت نظر بود، نمی‌توانست مسئولیت تشکیل خانواده را برعهده گیرد. (مطهری، ۱۳۷۲:ص ۲۰)

سید جمال الدین اسدآبادی مهم‌ترین و مزمن‌ترین درد جامعه اسلامی را استبداد داخلی و استعمار خارجی تشخیص داد و با این دو به شدت مبارزه نمود. یکی از محورهای مهم فکری او اندیشه ضد استبدادی است. سید جمال الدین اسدآبادی بر این اعتقاد بود که قوه‌ی مطلقه استبدادی موجب آزادی و عدالت نمی‌تواند باشد، مگر آن که به قدرتی مقید و محدود شود. (مدرسی چهار دهی، ۱۳۵۲:ص ۱۳۷) سید جمال الدین اسدآبادی در یافته بود که اساس عقب افتادگی و شوربختی ممالک اسلامی در بی نصیبی ملت‌های مسلمان از آزادی و دانش است و این نقیصه را نتیجه اسلوب حکومت مستبد دانست و دریافت تا شکل زندگانی سیاسی در ممالک اسلامی تغییر نیابد و حکومت مشروطه جای حکومت استبدادی را نگیرد، نجات مسلمانان میسر

نیست. (محیط طباطبایی، ۱۳۴۸:ص ۵۰) سید جمال الدین اسدآبادی می گوید: تا زمانی که ملت در نادانی و جهالت خود باقی هستند، حکومت فردی دوام پیدا می کند. هنگامی که نور معرفت در ملتی درخشندگی داشت، نخستین کارش به وجود آوردن نهضت آزادی و رهایی از قیود زنجیرها و طرز حکومت هایی است که متناسب با شئون اجتماعی او باشد. (مدرسی چهاردهی، ۱۳۴۷:ص ۱۴۲) او معتقد بود که تشکیلات هیچ دولت و حکومتی نمی تواند با فراغت استقرار پیدا کند مگر با اتکا به دو قدرت، یکی قدرت ملی که عموم مردم را به اتحاد، فتح و غلبه بر دشمن دعوت می کند و احساسات و غرور ملی را برمی انگیزد و دیگر نیروی ایمان که در ادای دین به جای قدرت ملی، اتحاد کلمه را به وجود می آورد و یگانگی خود را در بر مخالفان و دشمنان تحمیل می کند (همان).

از نظر سید جمال الدین اسدآبادی، اتحاد، خودآگاهی نسبت به منافع مشترکی است که برتری و عظمت را به ارمغان می آورد. (اسدآبادی، ۱۳۵۵:ص ۹۸) سید جمال الدین اسدآبادی در ایران نخستین فرد ایرانی بود که هموطنان خود را به طور علنی به لزوم اقدام دسته جمعی برای تغییر شکل حکومت مطلقه به مشروطه دعوت می نمود. (محیط طباطبایی، ۱۳۷۰:ص ۱۶۲) محمد محیط طباطبایی می گوید: «خاورمیانه طوری تحت تاثیر افکار و عقاید او درآمد که در جنبش مشروطه ایران و عثمانی، افتخار ملاقات و انتساب به او بالاترین سند آزادی خواهی و استحقاق وکالت و ریاست برای عرب و عجم و ترک و تاجیک شده بود.» (همان) او راه علاج فساد حکومت قاجار و تمام سلسله های شاهی در ایران را تاسیس قانون و تبدیل حکومت استبداد به حکومت مشروطه و برقراری قانون به جای رسوم و اوامر معرفی می کند. (اسدآبادی، ۱۳۷۹:ص ۲۷) هنگامی که سید جمال الدین در لندن بود با طباطبایی در سامرا مکاتبه داشت و او گویی لیاقت رهبری آینده ی مردم ایران را در راه مبارزه با استبداد قاجار را در طباطبایی می دیده است و در این مورد نامه ای برای او می نویسد. (ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۵۷:صص ۴۹-۵۰) سید جمال الدین اسدآبادی به منظور دستیابی مسلمانان به استقلال و رهایی از یوغ استبداد به ویژه از مفهوم مدرن ملت سود می جست. علاوه بر مفهوم مدرن ملت و حق تعیین سرنوشت، سید جمال الدین اسدآبادی خواهان مشارکت ملت در تعیین سرنوشت خویش می شود. او معتقد است ملتی که حل و فصل امور خود را با خود ندارد و در منافعش از او مشورت گرفته نمی شود و در

مصلحه عامه‌ی اراده‌اش تأثیری ندارد و همه تابع حاکم واحدی است، وضع ثابت و سیر منظمی ندارد. (اسدآبادی، ۱۳۵۵:ص ۱۳۷) وی همچنین قدم از این هم فراتر می‌نهد و درباره ملت مصر می‌نویسد ملت مصر باید فرمانروایی نماید بدین معنی که همه توده‌ها در قدرت دولت شرکت داشته باشند و دموکراسی را به طرز صحیحی انجام دهند. (مدرسی چهاردهی، ۱۳۶۰:ص ۱۳۷)

بر همین اساس در نظریه اتحاد اسلامی سید جمال الدین اسدآبادی نیز شاهد چرخشی از اتحاد دول اسلامی به سوی اتحاد ملت اسلامی هستیم. البته در نظریه اتحاد ملت اسلامی مشارکت توده‌ها در امور سیاسی مشارکتی ارشادی بود که توسط علما هدایت می‌شد. (اسدآبادی، ۱۳۵۰:ص ۱۹۸) این گونه نقش علما به عنوان رهبران ملت و بانفوذترین مقام اجتماعی سیاسی تعمیم یافت. (زرگری نژاد، ۱۳۷۹:ص ۷۷) در واقع سید جمال الدین اسدآبادی، ابتدا در صدد نوسازی نظام سیاسی ممالک اسلامی بر آمد، چون در این اقدام توفیق نیافت، اتکا به توده‌های مسلمان و وجوه آنان را دنبال نمود و به تعبیری سیدجمال الدین اسدآبادی پس از ناامیدی از نخبگان سیاسی اسلامی، نظر خود را به عرصه اجتماعی دوخته، در آرای خود نقش بیشتری برای تأثیرگذاری عرصه مدنی در عرصه سیاسی قائل گردید، بر همین اساس فرد مسلمان را محور نظریات خود قرار داد. (کدی، ۱۳۷۷:ص ۱)

ب: نقش سید جمال الدین اسدآبادی در بیداری مردم در نهضت مشروطه

عموم نویسندگانی که در مورد اندیشه سیاسی و نهضت اصلاحی سید جمال الدین اسدآبادی قلم زده‌اند بر این عقیده‌اند که استبداد داخلی و استعمار خارجی از اصلی‌ترین دغدغه‌های فکری وی بوده است. علاوه بر موارد ذکر شده وی از اراده‌گرایی حکام ناراحت بوده است. تا جایی که بر علیه آنها سخنرانی می‌کند و آنها را مستبد و وطن‌فروش می‌خواند. نداشتن قانون اساسی مدون که دارای خاستگاه دینی باشد مخصوصاً در دوره قاجار بسیار محرز است. از طرف دیگر استبداد رأی حاکمان قاجار در ایران خدیوها در مصر و پاشاها در ترکیه آن زمان باعث برآشفته‌گی وی شده بود. از آنجایی که حکومت قاجار حکومت مطلقه‌ی سلطنتی بود. مردم‌گرایی در آن سهمی نداشت. بالتبع مبنای مشروعیت سیاسی این نظام براساس مدل دولت-ملت ترسیم نشده بود. این بود که سید جمال الدین اسدآبادی تمامی تلاش علمی و عملی خود را

مصروف تغییر بنای این گونه حکومتها می کرد در تأیید این گفته محمد طباطبایی می گوید: «... اکنون تذکر این نکته را بجا می داند که سید جمال الدین اسدآبادی در ایران نخستین فرد ایرانی بود که هموطنان خود را علناً به لزوم اقدام دسته جمعی برای تغییر شکل حکومت مطلقه به مشروطه دعوت می کرد...» (محیط طباطبایی، ۱۳۵۰: ص ۲) سید جمال الدین اسدآبادی از بی قانونی و عدم نهادینه شدن رفتارهای سیاسی در بین دولت مردان رنج می برد. آنچه که در ایران عصر قاجار عمومیت داشت ارداه گرایی بود و از حاکمیت قانون خبری نبود. عموماً جوامع شرقی در عصر سید دچار بحران قانون شده بودند هر که به حکومت می رسید، رأی خود را با زور به مردم تحمیل می نمود و نیاز به قانون به عنوان یک شکل ایده آل در ذهن سید جمال الدین اسدآبادی متبادر شده از آن دفاع می کرد «... و به واسطه ی عمل به قانون کارها اصلاح می گردد...» (اسدآبادی، ۱۳۴۹: ص ۶۹) سید جمال الدین اسدآبادی صلاح جامعه را در قانونمندی نظام سیاسی، اعتقادی و اقتصادی می دید. قانون در تمامی زمینه ها مورد نظر وی بود. او نداشتن صلاحیت حکمرانی برای بسیاری از حاکمان کشورهای اسلامی از جمله ناصرالدین شاه را به جهت زیر پا گذاشتن قانون می دانست.

سید جمال الدین اسدآبادی در مبارزه با دولت های استبدادی دوره قاجار، شاگردان، دوستان و پیروانی پرورش داد که پس از او در جنبش های مشروطه خواهی بسیاری از کشورهای اسلامی از جمله ایران سهم بسیار مهمی را ایفا نمودند. (حائری، ۱۳۶۸: ص ۶۸) عبدالهادی حائری به نقل از مدیر روزنامه حبل المتین می نویسد: سید جمال الدین اسدآبادی به علما تأکید فراوانی می نمود که در راه بهتر ساختن وضعیت مسلمانان در دوره قاجار و کشورهای اسلامی قیام کنند، سید جمال الدین اسدآبادی همچنین تأکید می نماید که شرکت علما در بنیان گذاری یک سلسله اصلاحات، تنها راه حل مشکلاتی می داند که مسلمانان جهان را فرا گرفته بود. بنابراین مدیر روزنامه حبل المتین موفقیت های علما و ملت مسلمان ایران را در نهضت مشروطه را تأثیر سخنان تشویق آمیز و نصایح سید جمال الدین اسدآبادی می داند. (حائری، ۱۳۶۸، ص ۶۷) با این توضیحی که داده شد، به نقش سید جمال الدین اسدآبادی در نهضت مشروطه پرداخته می شود. یکی از مهمترین تاکتیک های او در مبارزات ضد امپریالیستی تشجیع و تشویق نمودن رهبران مذهبی بود. زیرا او به این نتیجه رسیده بود که علما با نفوذترین

شخصیت‌ها و مقامات در میان مسلمانان به ویژه مردم آن روز ایران بوده اند. بهترین نمونه توجه او به تاثیر علما بر ضد دخالت های امپریالیستی دولت‌های خارجی نامه هایی است که او درباره امتیاز تنباکو(رژی) در سال ۱۸۹۰ م / ۱۳۰۷ ه.ق به علمای ایران مقیم عراق نوشته است. (تیموری، ۱۳۶۱:ص ۵۸) که با پیروزی در این جنبش یکی از بارزترین صحنه های پیروزی جنبش بیداری اسلامی و حرکت در راستای تعالی خواهی رقم خورد و در نتیجه امتیاز تنباکو با رهبری روحانیت و کمک مردم لغو گردید و ناصرالدین شاه مجبور به عقب نشینی گردید و لغو امتیاز تنباکو پیش درآمد و مقدمه ای برای نهضت مشروطه شد.

مردم با پیروزی در جنبش تنباکو به قدرت معنوی روحانیت در جنبش های اجتماعی پی بردند و به این نتیجه رسیدند که با رهبری روحانیت هم می توانند استبداد داخلی را وادار به عقب نشینی نمایند و هم استعمار خارجی را. مکاتبات سید جمال الدین اسدآبادی با سید محمد طباطبایی نمونه دیگری از تاکتیک های ویژه ای است که به وسیله او به کار برده شده است، (ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۵۷: صص ۴۹-۵۰) این مکاتبات تاثیر خود را در سید محمد طباطبایی گذاشت و در هنگام بازگشت خود به تهران در سال ۱۸۹۴م / ۱۳۱۲ه.ق این مجتهد آزادیخواه مبارزه شدیدی بر ضد حکومت قاجار آغاز نمود و سرانجام در نهضت مشروطه به عنوان یک رهبر با نفوذ و فعال شرکت نمود. سید جمال الدین اسدآبادی به عنوان قهرمان مبارزه با استعمار و سلسله جنبان نهضت های اسلامی معرفی شده است. (وائقی، ۱۳۷۴:ص ۱) استراتژی کلی سید جمال الدین اسدآبادی بر سه محور استوار بود: ۱- بیداری شرق ۲- بازگشت به اسلام ۳- وحدت مسلمانان، سید جمال الدین اسدآبادی تلاش خستگی ناپذیری را آغاز نمود و برای رسیدن به این اهداف سفرهای متعددی به کشورهای سه قاره مهم جهان: آسیا، آفریقا و اروپا نمود و با تدریس سخنرانی و نگارش مقاله و نشر روزنامه، مجله و تربیت شاگردان آگاه و شجاع به موفقیت‌های دست یافت.

سید جمال الدین اسدآبادی عالمی مبارز و خستگی ناپذیر و روحانی ای که بنا بر تشخیص خودش معضل جامعه را در چهار چیز می دانست. ۱- وجود استبداد ۲- استعمار ۳- تفرقه ۴- عدم آگاهی و علم نسبت به نیاز زمان. سید جمال الدین اسدآبادی با بهره گیری از موقعیت مطبوعات، با تاکید بر موضوعات و مسایل سیاسی مربوط به شرق، به توسعه و پخش افکار

آزادی خواهانه و مترقی پرداخته و اتحاد ممالک اسلامی را مطرح ساخت. انتشار روزنامه های عروه الوثقی در پاریس، ضیاء الخافقین در لندن، معلم شفیق در هند و همکاری وی با ملکم خان در انتشار روزنامه قانون، تلاشی بود که از سوی این متفکر شرقی، در جهت همسو نمودن افکار و اندیشه های مردم جوامع اسلامی و آشنایی آنان با ارزش هایی چون دموکراسی، قانون، شورا و روی آوردن به دانش صورت گرفته است. از جمله کارهایی که سیدجمال الدین اسدآبادی در این خصوص برای بیداری مردم و وادار کردن آنها به مقاومت در برابر استبداد انجام می داد، تشویق دوستان و ارادتمندان خود به ترجمه و تألیف و نشر کتب و رسائلی بود که مطالعه آنها را برای بیداری مردم سودمند می دید و در استانبول و مصر و سایر کشورهای اسلامی این فکر را دنبال می نمود. (رئیس کرمی، ۱۳۸۲: ص ۱۳۲) بدون تردید روزنامه عروه الوثقی را باید از مهمترین آثار سید جمال الدین اسدآبادی و مهمترین منبع استخراج افکار و پیشنهادات و آموزه های سیاسی، دینی و اجتماعی او دانست. روزنامه عروه الوثقی از مشهورترین روزنامه های سیاسی جهان اسلام بود که به جهت ارزش دست به دست می گردید. به گواهی مورخان و نویسندگان، بیانات پرشور سخنوران اسلامی در قرن اخیر از جمله نوشته های روزنامه عروه الوثقی بود که در اجتماع مسلمانان و بیداری خاورمیانه بی مانند بود. (همان، ص ۱۳۲) (مدرس چهاردهی، ۱۳۵۲: ص ۶۱)

سید جمال الدین اسدآبادی با آثار مکتوب خود نقش مهمی را در جنبش تنباکو و نهضت مشروطه ایفا نمود. از جمله آثار مکتوب سید جمال الدین اسدآبادی، نامه های بسیار مهمی است که در آن اوقات و شرایط گوناگون برای افراد و سرزمین های مختلف نوشته است؛ نامه هایی فراوان که سرشار از آموزه ها و تعالیم سیاسی، اجتماعی و دینی است. به روایتی سید جمال الدین اسدآبادی بالغ بر پانصد نامه به زبان های مختلف فارسی، عربی، هندی و ترکی به رشته ی تحریر درآورده و به عتبات عالیات، کلیه بلاد ایران، هندوستان، مصر، الجزایر، طرابلس، شامات و حجاز و سایر قلمرو اسلامی ارسال می دارد. (همان) از جمله نامه های بسیار مهم تاریخی سید جمال الدین اسدآبادی می توان به نامه های وی به میرزای شیرازی، ناصرالدین شاه، ملکه ویکتوریا و ... اشاره کرد. (اسدآبادی، ۱۳۴۹: ص ۶۰) سید جمال الدین اسدآبادی در نامه های خود به علما از واگذاری امتیازات شاه و حراج کشور به بیگانه می نویسد و راه فرار از این پیمانها را که پیمانهای شخصی هستند، خلع شاه می داند. (مدرس چهاردهی، ۱۳۵۲: ص ۲۹۰) (واتقی، ۱۳۵۵: صص ۲۳۰-

(۲۲۶) همچنین نامه هایی به سران قبایل و علمای برجسته عالم اسلام، از جمله نامه هایی به علمای بزرگ ایران از سال داشت و از خیانت ها و بی لیاقتی ناصرالدین شاه در اداره کشور پرده برداشت. او با ایجاد نشریه ای موسوم به «ضیاء الخافقین»، که اولین شماره آن در ماه رجب ۱۳۰۹ ه. ق انتشار یافت، به فعالیتهای افشاگرانه خود شعاع بیشتری بخشید تا اینکه دولت بریتانیا احساس خطر کرد و مانع از ادامه انتشار آن شد و خود سیدجمال الدین را نیز به شدت در تنگنا قرار داد (واقعی، ۱۳۸۴: ص ۲۳۱). اهمیت ویژه نامه‌های سیدجمال الدین به علما در این است که برای نخستین بار به صراحت از عزل شاه سخن به میان آمد و علما را تشویق به خلع شاه نمود. این نامه ها موجب خشم شدید شاه شد و این مسئله در گزارش سرلاسز سفیر انگلیس در تهران به دولت متبوعش آمده است که «بوسیله سید جمال الدین اسدآبادی نامه‌ای خطاب به علماء ایران صادر گردیده است، و در آن نامه، مستقیماً به مقام سلطنت توهین و به شدت حمله شده است! ترجمه نامه سید جمال الدین اسدآبادی... موجب تغیر و اعتراض شاه گردیده است» (مشیری، ۱۳۷۹: ص ۹۲) اهمیت دیگر این نامه هشدار به روحانیون در مورد انجام وظیفه و به دست گرفتن رهبری و مسئولیت جامعه است و بعدها نیز یعنی در دوران مشروطه مجدداً نامه سید جمال الدین اسدآبادی به علما در روزنامه حبل المتین به چاپ رسید تا بار دیگر روحانیون را به وظیفه خود و به دست گرفتن زمام امور جامعه تشویق و ترغیب نماید. از جمله اقدامات دیگر سید جمال الدین اسدآبادی در لندن، نامه به ملکه ویکتوریا است که او ضاع ایران را به تصویر کشیده است. سید جمال الدین اسدآبادی در قسمت‌هایی از این نامه می‌نویسد: «مملکت من به حالت خرابی افتاده است و از جمعیت آن کاسته شده و کارهایی که متعلق به زراعت و آبادی است، خراب شده و زمین‌ها، لم‌یزرع افتاده و صنایع به حال عدم باقی مانده است. مردم ایران متفرق شده اند، بهترین افراد مملکت در زندان‌ها به سر برده و پادشاه و وزراء آنها را آزار داده و اموال آنها را بدون رحم، نهب و غارت کرده و بدون آنکه استنطاقی درباره آنها به عمل آید، آنها را به قتل می‌رسانند... در زمان پادشاه فعلی به هیچ وجه قانونی نداریم، بلکه می‌توان گفت که هیچ حکومت و دولتی در میان نیست... از وقتی که از پادشاه در اروپا پذیرایی شده است، دولت ایران شهرت داده است که دولتین روس و انگلیس ثبات و اقتدار شخص پادشاه و وضع نامناسب دولت ایشان را کاملاً تحسین نموده‌اند و... شاه پس از مراجعت به کشور بر ظلم و تعدیات نسبت به رعایای خود

افزوده است.» آنگاه سید جمال الدین اسدآبادی به گله مندی از انگلیس پرداخته می‌نویسد: «ایرانی‌ها می‌گویند هرگاه این ملل مقتدر در مورد قتل و غارت، پادشاه ایران را تقویت و کمک نمایند و بلاشک از نهب و غارت ما حصه‌ای ببرند و از قبیل امتیاز نامه‌هایی که در باب بانک و دخانیات داده شده است برای ما چه ثمر خواهد داشت که شورش نمایم. دولت انگلیس در عمل از چوب زدن و اسیری و صدمات و قتل بدون استنطاق و سرقت بدون دادخواهی ایرادی نگیرد، بلکه با پادشاه همراهی کند، در این صورت کار ما تمام است.» (خانابا، ۱۳۷۵: صص ۵۳۷-۱/۵۲۵)

سپس سید جمال الدین اسدآبادی در قسمت دیگری از نامه خود او ضاع ایران را کاملاً شرح می‌دهد و از سلطنت قاجار به عنوان سلطنت وحشت نام می‌برد و شاخصهای چنین حکومتی را نیز چنین بر می‌شمارد: در این نوع حکومت قانون نیست، عدالت نیست، حکم، حکم شاه است اگر چه مست و دیوانه باشد! شکنجه‌های سخت و مثله کردن رواج دارد، راهنمایان و حکومتگران افرادی مست و دیوانه و هرزه و عیاش هستند، حکومت ایالات بـه فروش می‌رود و هر کس برای به چنگ آوردن حکومت و یا فرار از حکمی پیش کشی به پادشاه از واجبات است و علاوه بر شاه باید این پیش کشی نیز برای رضایت وزیران و درباریان شامل حال آنها نیز شود. همچنین در این جامعه امنیت چه جانی و چه مالی وجود ندارد و مردم از هر سو غارت می‌شوند، پس فرار از کشور و مهاجرت را برقرار ترجیح می‌دهند. پس از نامه سید جمال الدین اسدآبادی به علما و درخواست از آنها برای خلع شاه، دربار ایران بیش از پیش نگران و عصبانی شد و این بار امین‌السلطان طبق نامه‌ای خطاب به سفیر ایران در لندن خواستار پیگیری دستگیری و یا تبعید سید جمال الدین اسدآبادی شد (مشیری، ۱۳۷۹: صص ۹۲) (مدرس چهار دهی، ۱۳۵۲: صص ۲۹۰) (واثقی، ۱۳۵۵: صص ۲۳۰-۲۲۶)

بحث و نتیجه‌گیری

بطور کلی نهضت سید جمال الدین اسدآبادی، هم فکری بود و هم اجتماعی و سیاسی، نهضت سیاسی سید جمال الدین اسدآبادی پیرامون نفی استبداد را می‌توان به سه مرحله تقسیم نمود. هر چند که هر مرحله را در همه کشورهای اسلامی که وارد شده بود همزمان طی نکرد. در مرحله اول سید جمال الدین اسدآبادی به نهضت از بالا و انجام اصلاحات از رأس هرم اجتماعی

- سیاسی به کمک نخبگان فکر می‌کرد و به گونه‌ای مشابه میرزا تقی خان امیرکبیر که حتی در یک مورد از او نیز یاد نموده با نزدیکی و ارتباط با حکام و دولتهای حاکم بر بلاد اسلامی تصور می‌کرد که می‌تواند به اهداف اصلاحی و آرمانهایش نائل شود. پس از چندی در مرحله دوم او با مشاهده مقاومت و سرسختی حکام مستبد و منحط و غلبه شهوت و جهالت بر آنها و درباریان ذی نفوذ و نیز نفوذ و سلطه استعمار به ویژه در پیوند با آنان از طریق آنها به مبارزه و موضع‌گیری‌های حاد و شدیدی علیه استبداد حاکم برخاسته و تغییر حکومت‌ها و اشخاص از سلاطین و پاشاها و امرا را در نظر داشت. اما در مرحله سوم سیدجمال الدین اسدآبادی، پس از ناامید شدن از تغییر و اصلاح سلاطین و حکومتها متوجه بنیاد و اساس این رژیم‌ها شده و به تغییرات نهضتی در ساختارهای سیاسی حاکم‌گرایش پیدا کرد. او می‌خواست رستخیزی هم در اندیشه مسلمانان به وجود آورد و هم در نظامات زندگی آنها. او در یک شهر و یک کشور و حتی در یک قاره توقف نکرد، هر چند وقت در یک کشور به سر می‌برد. آسیا و اروپا و افریقا را زیر پا گذاشت. در هر کشور با گروه‌های مختلف در تماس بود. همچنان که نوشته‌اند در برخی کشورهای اسلامی عملاً وارد ارتش شد برای اینکه تا دل سپاهیان نفوذ نماید. مسافرت سید به کشورهای مختلف اسلامی و بازدید آنها از نزدیک سبب شد که آن کشورها را از نزدیک بشناسد و ماهیت جریانها و شخصیت‌های این کشورها را به دست آورد، همچنان که جهان‌پیمایی اش و مخصوصاً توقف نسبتاً طولانی در کشورهای غربی او را به آنچه در جهان پیشرفته می‌گذشت و به ماهیت تمدن اروپا و نیت سرمداران آن تمدن آشنا ساخت. سیدجمال در نتیجه تحرک و پویایی، هم زمان و جهان خود را شناخت و هم به دردهای کشورهای اسلامی که داعیه علاج آنها را داشت دقیقاً آشنا شد. با توجه به آنچه گفته شد می‌توان گفت که یکی از طلایه داران وحدت و بیداری اسلامی و فریادگر احیای عظمت اسلام اسلام ناب محمدی سید جمال الدین اسدآبادی است که سرسلسله جریان فکری استبداد داخلی و استعمار خارجی را در جوامع اسلامی تشخیص داد و با این دو مسئله به شدت مبارزه و بیدار سازی را در این جوامع آغاز نمود و با همه توان مترصد آن شد با قدرت و توانایی راه نجات مسلمانان را به عالمان دینی آنان بشناساند و غبار نشسته بر دین را از چهره اسلام دور کند. این مصلح بزرگ که هدف اصلی اش وحدت و اتحاد مسلمین و استعمار ستیزی بود، پس از سالها فعالیت با طرح مبارزه با استعمار و

استبداد و تلاش در احیای اسلام و عزت مسلمین، تحول و نهضتی عظیم را خلق کرد. سید جمال الدین اسدآبادی علیرغم گسترش همه جانبه استعمار غربی در سرزمین‌های اسلامی، واقع‌گرایانه و با اندیشه‌ای پویا توانست در تحولات ملل اسلامی و بیداری اسلامی نقش چشمگیری داشته باشد. نکته مهم دیگری که می‌توان در این نتیجه‌گیری گفت این است که سید جمال الدین اسدآبادی با بهره‌گیری از موقعیت مطبوعات، با تأکید بر موضوعات و مسایل سیاسی مربوط به شرق، به توسعه و پخش افکار آزادی‌خواهانه و مترقی پرداخته و اتحاد ممالک اسلامی را مطرح سازد. انتشار روزنامه عروه‌الوثقی در پاریس، ضیاء‌الخاقین در لندن، معلم شفیق در هند و همکاری وی با میرزا ملکم خان در انتشار روزنامه قانون، تلاشی بود که از سوی این متفکر شرقی، در راستای همسو نمودن افکار و اندیشه‌های مردم جوامع اسلامی و آشنایی آنان با ارزش‌هایی چون دموکراسی، قانون، شورا و روی آوردن به دانش صورت گرفته است. سیدجمال الدین اسدآبادی، به عنوان شخصیتی تاثیرگذار در شکل‌گیری و ترسیم خط مشی مطبوعات تبعیدی، با ارائه مقالاتی در زمینه‌ی موضوعات سیاسی و همچنین تحولات صورت گرفته در چوامع بشری، تلاش خود را در راستای ایجاد تحول فکری مسلمانان و آشنایی این قشر عظیم با افکار آزادی‌خواهانه و تربیت سیاسی به منظور انجام وظایف اجتماعی معطوف داشته و همواره بر اتحاد ممالک اسلامی تأکید می‌نمود. بُعد فکری اتحاد اسلامی با حضور سیدجمال الدین اسدآبادی در اروپا و با انتشار روزنامه عروه‌الوثقی دنبال شد؛ آن هنگام که ارنست رنان مقالاتی علیه اسلام می‌نوشت، سید جمال به پاسخگویی بر شبهات این فیلسوف فرانسوی پرداخت. سید جمال الدین اسدآبادی در تاریخ ایران عامل ظهور تحولی شد و ملت ما را به راهی رهبری کرد که پس از آن در پیچ و خم‌های آن راه به سوی زندگانی افضل گام برمی‌دارد و هر روزی انتظار دارد که سید جمال الدین با تیغ زبان و نوک قلم خود زمینه‌سازی کرد و شالوده اصلی قبول حکومت مشروطه جدید را در ذهن علمای روحانی مملکت فراهم آورده و در روزی که علمای بزرگ تهران و عتبات در صدر نهضت مشروطه قرار گرفته بودند، معلوم شد حسن ظن و حدس صائب سید جمال الدین درباره عنصر مشروطه‌ساز ایران به خطا نرفته بود و از حرکت تمرد تنباکو تا مهاجرت به قم و پشتیبانی علما از مشروطه‌خواهان در برابر کودتای باغ‌شاه، همه جا روح او راهنمای کسانی بود که هر یک در مقام مقتدی الانامی قرارداشتند. آری سید با فکر روشن و توان و اراده

نیرومند و ثابت و زبان گویا و قدم نیرومند، کاری را در خاورمیانه عملی ساخت که در نقاط دیگر جهان بی کمک توپ و تفنگ میسر نمی‌شد.



فهرست منابع

- احمدی، بابک (۱۳۸۵). کار روشنفکری، چاپ دوم، تهران، مرکز.
- اسدآبادی، سید جمال الدین (۱۳۴۹). نامه‌های تاریخی و سیاسی سید جمال الدین اسدآبادی، تهران، پرستو.
- اسدآبادی، سید جمال الدین (۱۳۵۵). عروه الوثقی، ترجمه عبدالرحمن سمندر، کابل، حوت.
- اسدآبادی، سید جمال الدین (۱۳۵۸). مقالات جمالیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی،
- اسدآبادی، سید جمال الدین (۱۳۵۸). مقالات جمالیه، به کوشش لطف الله اسدآبادی، تهران، ایرانشهر.
- اسدآبادی، سید جمال الدین (۱۳۶۰). گزیده عروه الوثقی، ترجمه عبدالله سمندر، تهران، مولی.
- اسدآبادی، سید جمال الدین (۱۳۷۹). تاریخ اجمالی ایران و تتمه البیان فی تاریخ الافغان و البیان فی الانجلیز و الافغان، به کوشش هادی خسرو شاهی، تهران، کلبه شروق.
- اسماعیل‌نیا، محمود (۱۳۶۹). بررسی و مقایسه نظرات سید جمال و علامه اقبال در باب تحولات اجتماعی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- امیرفخریان، حمید (۱۳۹۶). بررسی مقایسه‌ای مفهوم آزادی در آرا و اندیشه‌های سید جمال الدین اسدآبادی و استاد مطهری، پایان نامه کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی البرز.
- ایوبی، سید جواد (۱۳۹۷). بازخوانی اندیشه‌های قرآنی سید جمال الدین اسدآبادی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مذاهب اسلامی، دانشکده علوم قرآن و حدیث.
- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۹). ایران بین دو انقلاب، درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران معاصر، ترجمه‌ی احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی و لیلایی، چاپ پنجم، تهران، نشرنی.
- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۴). ایران بین دو انقلاب، ترجمه گل محمدی و فتاحی، چاپ یازدهم، تهران، نی.
- براون، ادوارد (۱۳۳۸). انقلاب ایران، ترجمه و حواشی احمد پژوه (مشیرهمایون)، چاپ دوم، تهران، معرفت.
- پاشاپور، حمید (۱۳۸۲). نهضت‌های اسلامی بازیگران جدید نظام بین‌الملل، تهران، مؤسسه اندیشه‌سازان.
- توانا، محمدعلی (۱۳۸۳). سید جمال الدین اسدآبادی و اتحاد اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: عباس منوچهری، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
- تیموری، ابراهیم (۱۳۶۱). تحریم تنباکو، چاپ سوم، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- جمالی، لطف الله (۱۳۴۹). شرح حال سید جمال الدین اسدآبادی الدین اسدآبادی، قم، دارالفکر.
- جمالی، لطف الله (۱۳۵۶). شرح و حال و احوال سید جمال الدین اسدآبادی، چاپ دوم، تهران، سحر.
- حائری، عبدالهادی (۱۳۶۰). تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، تهران، امیر کبیر.

- حائری، عبدالهادی (۱۳۶۸). تاریخ جنبش ها و تکاپوهای فراماسونگری در کشورهای اسلامی، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد.
- ذاکر حسین، عبدالرحیم (۱۳۶۸). مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطه، تهران، دانشگاه تهران.
- رحمانیان کوشکی، داریوش (۱۳۸۰). تاریخ علت شناسی انحطاط ایرانیان و مسلمین از سید جمال تا شریعتی، رساله دکتری، دانشگاه تبریز، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- رئیس کرمی، علی (۱۳۸۲). سید جمال الدین اسدآبادی الدین اسدآبادی منادی همبستگی جهان اسلام، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در امور اهل سنت سیستان و بلوچستان، چاپ نیاپش.
- زرگری نژاد و رئیس طوسی، غلامحسین و رضا (۱۳۷۶). اندیشه و مبارزات سید جمال، تهران، انتشارات حسینه ارشاد.
- زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۷۹). رسائل مشروطیت، چاپ دوم، تهران، انتشارات کویر.
- زیبا کلام، صادق (۱۳۸۵). ما چگونه ما شدیم، ریشه‌یابی علل عقب‌ماندگی در ایران، چاپ چهاردهم، تهران، روزنه.
- زیباکلام، صادق (۱۳۷۷). سنت و مدرنیته، ریشه‌یابی علل ناکامی اصلاحات و نوسازی سیاسی در ایران زمان قاجار، تهران، روزنه.
- ستوده، محسن (۱۳۹۷). مواجهه متفکران مسلمان با غرب با تاکید بر آراء سید جمال الدین اسدآبادی و علامه محمد اقبال لاهوری، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، دانشکده علوم انسانی.
- سعیدی گراغانی، نغمه (۱۳۹۴). مطالعه تطبیقی اندیشه سیاسی و عمل سید احمد خان و سید جمال الدین اسدآبادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: سیدهاشم آقاجری، دانشگاه تربیت مدرس.
- سید جمال الدین (۱۳۵۵). عروه الوثقی، ترجمه عبدالرحمن سمندر، کابل، حوت.
- شرابی، هشام (۱۳۶۹). روشنفکران عرب و غرب، ترجمه عبدالرحمن عالم، چاپ دوم، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- شمیم، علی اصغر (۱۳۷۹). ایران در دوره سلطنت قاجار، چاپ دهم، تهران، زریاب.
- صاحبی، محمدجواد (۱۳۶۶). اندیشه اصلاحی در نهضت های اسلامی، تهران، موسسه کیهان.
- صادقی مهر، محمد (۱۳۹۵). مقایسه اندیشه سیاسی و اجتماعی سید جمال الدین اسدآبادی و محمد اقبال لاهوری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی.
- طالشیان جلودار، مهناز (۱۳۹۵). وحدت اسلامی و مولفه های آن از دیدگاه سید جمال الدین اسدآبادی و امام خمینی (ره)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه گلستان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

- عیسوی، چارلز (۱۳۶۹). تاریخ اقتصادی ایران زمان قاجار ۱۳۳۲-۱۲۱۵ ه.ق، ترجمه یعقوب آژند، تهران، انتشارات گستره.
- فرهادیان، رضا (۱۳۸۷). فریادگر قرن: گوشه‌هایی از زندگی سید جمال‌الدین اسدآبادی، با همکاری صادق عاشورلو، قم، موسسه فرهنگی-تربیتی توحید: بوستان کتاب قم.
- فریزر، جیمزبیلی (۱۳۶۶). سفرنامه فریزر معروف به سفر زمستانی، ترجمه منوچهر امیری، تهران، انتشارات توس.
- فلور، ویلم (۱۳۶۵). جستارهای تاریخ اجتماعی ایران زمان قاجار، جلد دوم، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، انتشارات توس.
- قاهری، سید جلیل (۱۳۹۳). بررسی نقش سیدجمال‌الدین اسدآبادی در تحول گفتمان سیاسی شیعه در ایران عصر مشروطه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته معارف اسلامی، دانشگاه قم، دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
- کدی، نیکی آر (۱۳۷۷). ریشه‌های انقلاب ایران، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، انتشارات قلم.
- کرزن، ناتانیل (۱۳۶۲). ایران و قضیه ایران، ترجمه وحید مازندرانی، جلد اول، چاپ دوم، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- کریمی، محمد زکی (۱۳۸۵). اسلام و مقتضیات زمان از دیدگاه سیدجمال، سید قطب و شهید مطهری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه، دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
- محیط طباطبایی، محمد (۱۳۵۰). نقش سید جمال‌الدین اسدآبادی در بیداری مشرق زمین، قم، دارالتبلیغ اسلامی.
- محیط طباطبایی، محمد (۱۳۷۰). نقش سید جمال‌الدین اسدآبادی در بیداری مشرق زمین، به کوشش و مقدمه سید هادی خسروشاهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- مختاری، عبدالمجید (۱۳۹۴). نقش اجتماعی، سیاسی و فرهنگی سیدجمال‌الدین اسدآبادی در ادبیات معاصر عربی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سیستان و بلوچستان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- مختاری، مجید (۱۳۸۳). الگوی وحدت اسلامی از دیدگاه مصلحان دینی معاصر، تهران، پایان‌نامه دوره فوق لیسانس دانشگاه امام صادق (ع).
- مدرسی چهاردهی، مرتضی (۱۳۵۲). سید جمال‌الدین اسدآبادی‌الدین و اندیشه‌های او، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- مشیری، علی (۱۳۷۹). ترجمه گزیده‌ای از اسناد وزارت خارجه انگلیس درباره سید جمال‌الدین اسدآبادی‌الدین اسدآبادی، چاپ اول، به کوشش سیدهادی خسروشاهی، تهران، انتشارات کلبه شروق.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۷). نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، قم، نشر عصر.

- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). بررسی اجمالی نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر، انتشار صدر. مطهری، مرتضی (۱۳۸۴). بررسی اجمالی نهضت های صدساله اخیر، چاپ بیست و سوم، تهران، نشر صدر. مفتون دنبلی، عبدالرزاق (۱۳۵۱). مائر سلطانیه (تاریخ جنگ های ایران و روس)، به اهتمام غلامحسین صدری افشاری، تهران، ابن سینا.
- مقدم نیا، احسان (۱۳۹۳). مقایسه اندیشه سیاسی سید جمال با محمد عبده با تاکید بر منطق فکری آنان، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم سیاسی، استاد راهنما: عباسعلی رهبر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- ملائی توانی، علیرضا (۱۳۸۱). مشروطه و جمهوری، تهران، نشر گستر.
- موثقی، سیداحمد (۱۳۷۳). علل و عوامل ضعف و انحطاط مسلمین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- موثقی، سیداحمد (۱۳۷۴). جنبش های اسلامی معاصر، تهران، سمت.
- موثقی، سیداحمد (۱۳۸۴). سید جمال الدین حسینی، پایه گذار نهضت های اسلامی، انتشارات تهران، انصاریان.
- میناپور، نجم الدین (۱۳۹۲). بررسی زمانه، زندگی و اندیشه های سید جمال الدین اسدآبادی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم - تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- ناظم الاسلام کرمانی، محمدبن علی، ۱۳۵۷، تاریخ بیداری ایرانیان، تصحیح: سعیدی سیرجانی، جلد دوم، تهران، آگاه.
- واتقی، صدر (۱۳۵۵). سیدجمال الدین حسینی پایه گذار نهضت های اسلامی، تهران، پیام.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی